



صبح صادق پیام رهبر معظم انقلاب و تاکید ایشان بر حفظ انسجام ملی را بازخوانی می کند

علی حیدری

سردبیر



در روزهایی که ایران اسلامی پس از تشییع تاریخی پیکر رهبر شهید انقلاب اسلامی با جنگ افروزی آمریکایی‌ها در مناطق جنوب کشور مواجه شده، صدور پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی)، نقشه راه جامع و روشنی برای همه کنشگران عرصه‌های سیاسی و فرهنگی ترسیم کرد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در پیام خود، حضور ده‌ها میلیونی مردم در تشییع پیکر رهبر شهید را صرراً یک رویداد عاطفی، بلکه «نصاب تازهای از جلوه بعثت و اراده مستحکم هویت اسلامی-ایرانی» توصیف کردند و با اشاره به گرمای دل‌های گداخته، چشمان اشکیار و عزم‌های استوار جمعیت عظیم در تهران، قم، نجف، کربلا و مشهد، این حضور را نشانه قدرشناسی، وفاداری، بصیرت و ابراز محبت فوق‌العاده به زعیم امت اسلامی دانستند.

یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های پیام، اشاره صریح و بی‌پرده رهبری به نقض عهدهای مکرر آمریکا نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا است. ایشان با تأکید بر اینکه «امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است»، در زمینه اعتماد به آمریکایی، هشدار دادند. ایشان زورگویی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری را «اجزای لاینفک مرام و مسلک آمریکایی» خواندند و تأکید کردند، این تجربه تاریک از جنایت و بدعهدی، باید به‌منزله «سند محکم دیگری بر دروغ‌گویی، غیر منطقی و غیرقابل اعتماد و پلید بودن آمریکا» در حافظه تاریخی ملت ثبت شود. رهبر معظم انقلاب با نگاهی به تحولات میدانی، به دشمن آمریکایی هشدار دادند که اگر به دنبال جنگ افروزی و تحمیل هزینه‌های سنگین‌تر است، باید بداند که «ملت عزیز ایران و جبهه مقاومت، درس‌های فراموش‌نشدنی برای او دارد». ایشان مصداق این درس‌ها را رشادت‌های رزمندگان اسلام و غیرت مردمان شجاع خطه جنوب برشمردند و در بخشی کوتاه، اما پر معنا، بر این نکته تأکید کردند که

«دشمن نباید هیچ علامت ضعفی از جمله این ضعف را از ما دریافت کند». این جمله، پاسخی قاطع به هرگونه برداشت نادرست از نرمش دیپلماتیک یا عقب‌نشینی تاکتیکی است. پیام ایشان به آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن روشن است: قدرت نظامی و روحیه جهادی ایران، نه یک ابزار تزئینی، بلکه پشتوانه اصلی سیاست خارجی و دیپلماسی مقاومت است. در بخش دیگری از پیام رهبری، ایشان با تأکید مجدد بر «اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدس در همه سطوح مردم و مسئولان»، این انسجام را «اصولی‌ترین امر در برهه کنونی» معرفی می‌کنند. معظم‌له صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه، اختلافات سیاسی و برجسته‌سازی تفاوت‌های اجتماعی را «وظیفه همگانی» می‌دانند و نقش مسئولان و افراد دلسوز را در این زمینه «مهم‌تر و حساس‌تر» توصیف می‌کنند. این تأکید، در روزهایی که برخی چهره‌ها و جریان‌های سیاسی و فضای مجازی درصدد دوقطبی‌سازی و بزرگنمایی اختلافات هستند، یک فراخوان ملی برای کنار گذاشتن اختلافات جناحی به نفع منافع عالی کشور است. ایشان با

ابراز اعتماد به مسئولان دلسوز در هر سه قوه و تصریح بر تلاش مشهود آنان برای حل مشکلات کشور، از مردم می‌خواهند که هوشیاری و حضور فعال در میدان را تداوم بخشند. یکی از ظریف‌ترین و راهگشاسترین بخش‌های پیام، تبیین چارچوب انتقاد از مسئولان است. رهبر معظم انقلاب با پذیرش اینکه ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، نسبت به عملکرد بعضی مسئولان انتقادهایی داشته باشند، دو شرط اساسی برای این انتقادات تعیین می‌کنند: اول اینکه انتقاد نباید موجب ظلم بر بی‌گناهی شود که خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌شود؛ دوم اینکه نباید موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی شود. ایشان با تأکید بر اینکه این عزیزان «بعضاً از زمره پیشروان بصیرت» هستند، اما همچنان باید مراقب این دو آسیب جدی باشند، در نهایت نوید می‌دهند که «با حفظ این جهات، انتقادات موجب رونق و شکوفایی امور خواهد شد». این بخش از پیام، یک منشور اخلاقی-سیاسی برای رسانه‌ها، فعالان سیاسی و نخبگان جامعه است تا نقد را از تخریب و ایجاد تفرقه تفکیک کنند؛

امری که در وضعیت پر تنش کنونی، از هر زمانی ضروری‌تر به‌نظر می‌رسد. در پایان باید پیام اخیر رهبر معظم انقلاب را یک بیانیه راهبردی جامع برای تبیین موضوع مقاومت در برابر دشمن، تدبیر در عرصه مذاکره و انسجام در عرصه داخلی تلقی کرد؛ چرا که از یک سو، با افشای عهدشکنی آمریکا، راه هرگونه خوش‌بینی ساده‌اندیشانه را می‌بندد و از سوی دیگر، با هشدار به دشمن، روحیه جهادی را در جامعه و جبهه مقاومت زنده نگاه می‌دارد. در عین حال، با تأکید بر وحدت ملی و ارانه چارچوبی دقیق برای نقد سازنده، به همه دلسوزان نظام می‌آموزد که انتقاد، وقتی در مسیر درست خود قرار گیرد، نه تنها تهدید نیست، بلکه موتور محرکه پیشرفت و «رونق و شکوفایی» خواهد بود.

ملت قهرمان ایران، با الهام از این پیام مهم، می‌تواند از این پیچ تاریخی با سربلندی عبور کند، دشمن را یک بار دیگر به حیرت وادارد و مسیر عزت و استقلال خود را با قدرت ادامه دهد. اکنون نوبت عمل و هماهنگی همه قوا، نهادها و آحاد مردم برای تحقق این نقشه راه است.

بررسی ادعای شکاف میان واشنگتن و تلاویو

این اختلاف واقعیت دارد؟

جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ایستاده است. سخنگوی وزارت خارجه نیز رویو را صد درصد هم‌راستا با ترامپ توصیف کرده است. حتی خود ترامپ، با وجود اذعان به اینکه ونس از نظر فلسفی اندکی متفاوت می‌اندیشد، بر نبود اختلاف جدی پافشاری کرده است.

شواهد مستقل نیز این تحلیل را تقویت می‌کند. هر دو مقام، بدون استثنا، از تمام تصمیمات مهم سیاست خارجی ترامپ حمایت کرده‌اند، از جمله حمله فوری به ایران و روند صلح پس از آن؛ و هر دو در هفته‌های اخیر از عبارات مشابهی استفاده کرده‌اند مبنی بر اینکه رفتار تهران را بر اساس عمل، نه سخن، قضاوت خواهند کرد. وقتی از رویو درباره میزان اختلاف دیدگاهش با ونس پرسیده شد، او پاسخ داد که هر دو، جهت‌گیری خود را از رئیس‌جمهور می‌گیرند. این جمله به‌خوبی نشان می‌دهد اختلاف‌نظر، در چارچوبی محدود و تحت نظارت مستقیم ترامپ باقی مانده است.

آنچه این دو مقام را واقعاً از هم متمایز می‌کند، بیش از آنکه به هدف راهبردی مربوط باشد، به مخاطب و افق سیاسی آنها بازمی‌گردد. هر دو به منزله جدی‌ترین گزینه‌های احتمالی حزب جمهوری‌خواه برای انتخابات ۲۰۲۸ شناخته می‌شوند، و همین رقابت پنهان، تفاوت در لحن و تأکید را دامن زده است. کرت میلز، مدیر اجرایی نشریه «آمریکن کنسرواتیو»، این تفاوت را با عبارت دو ذهنیت متفاوت توصیف کرده، اما حتی چنین توصیفی نیز به معنای اختلاف در هدف نهایی نیست، بلکه بازتاب سبک‌های متفاوت رهبری و پایگاه‌های حمایتی متفاوت درون حزب جمهوری‌خواه است؛ ونس متکی بر جناح اول آمریکا و شکاک به مداخله نظامی، و رویو متکی بر جناح سنتی‌تر و نزدیک‌تر به رژیم صهیونیستی.

در نهایت، آنچه در پوشش خبری هفته‌های اخیر «شکاف» خوانده می‌شود، دقیق‌تر است اگر به‌عنوان رقابتی درون‌خانوادگی برای وراثت سیاسی ترامپ توصیف شود، نه بازنگری در خصوص ساختاری واشنگتن با تهران. هدف راهبردی مشترک، یعنی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و حفظ فشار حداکثری در کنار دیپلماسی محدود، دست‌نخورده باقی مانده است. تفاوت واقعی، بر سر اعتبار سیاسی حاصل از این پرونده است، نه بر سر ماهیت آن.



رضا صار می‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل

طی چند هفته‌ای که از امضای یادداشت تفاهم میان واشنگتن و تهران در هفدهم ژوئن می‌گذرد، رسانه‌های آمریکایی بار دیگر به سراغ روایتی آشنا رفته‌اند، شکاف میان معاون رئیس‌جمهور «جی. دی. ونس» و وزیر خارجه «مارکو رویو» بر سر نحوه برخورد با ایران. این روایت با جزئیات واقعی همراه است، اما نگاهی دقیق‌تر به رفتار این دو مقام نشان می‌دهد آنچه در حال رخ‌دادن است، بیشتر رقابتی سیاسی و اختلاف در سبک اجراست تا تغییری در راهبرد کلی دولت ترامپ نسبت به ایران.

نمود بیرونی این اختلاف را می‌توان در نقش‌های متفاوتی دید که این دو در هفته‌های اخیر ایفا کرده‌اند. ونس که هدایت مذاکرات هسته‌ای با ایران در سوتیس را برعهده داشت، در سفرهای رسانه‌ای پیاپی از توافق دفاع کرد و از پیشرفت خوب و ایجاد بنیانی بسیار مناسب برای توافق نهایی سخن گفت. او همچنین در واکنش به مخالفت علنی رژیم صهیونیستی با این یادداشت تفاهم، لحنی تند به کار برد و به این رژیم گوشزد کرد که کشوری با نه میلیون نفر جمعیت نمی‌تواند هر مسئله امنیت ملی را صرفاً با زور حل کند.

در مقابل، رویو رویکردی محتاطانه‌تر و در عین حال همسوتر با رژیم صهیونیستی در پیش گرفت. او در سفری به کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌جای انتقاد از تل‌آویو، لحن انتقادی خود را متوجه حکومت ایران کرد و در بحرین اعلام کرد آبراه‌های بین‌المللی، مانند تنگه هرمز متعلق به هیچ کشوری نیست. به گزارش برخی رسانه‌ها، رویو نسبت به امکان دستیابی به توافقی قابل‌قبول با ایران چنان تردید داشت که از پذیرش ریاست هیئت آمریکایی در نخستین دور مذاکرات آتش‌بس در اسلام‌آباد خودداری کرد و همین موضوع فرصتی برای ورود ونس به این پرونده فراهم آورد.

کاخ سفید و وزارت امور خارجه هر دو این روایت شکاف را رد کرده‌اند. سخنگوی کاخ سفید تأکید کرده که تنها یک جبهه در دولت وجود دارد؛ جبهه رئیس‌جمهور ترامپ، و همه دولت پشت سیاست

صبح صادق پیام رهبر معظم انقلاب و تاکید ایشان بر حفظ انسجام ملی را بازخوانی می‌کند

اصولی‌ترین راهبرد

به مناسبت ۲۹ تیر سالروز صدور پیام قطعنامه ۵۹۸

پیام قهر یا جام زهر؟

سخنی باشد، نه از صدور انقلاب، نه از استکبارستیزی، نه از استقلال، نه از حقوق هسته‌ای و نه حتی از پاسخ دادن به تجاوز دشمن.

آمریکایی که امروز برخی نسخه اعتماد به او را می‌پیچند، همان آمریکایی است که طی دهه‌های گذشته از تحریم، ترور، خرابکاری، جنگ و فشار علیه ملت ایران دست برنداشته است. تجربه نیز نشان داده است که هر جا جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کرده، مطالبه‌ای تازه مطرح شده است. به تعبیر امام (ره)، دشمن حد یقفی برای زیاده‌خواهی خود نمی‌شناسد.

پس این قرائت از پیام قطعنامه، چه نسبتی با متن خود پیام دارد؟ کجای آن پیام، دعوت به خاموش کردن شعارهای انقلاب، دست کشیدن از آرمان‌ها یا اعتماد به آمریکا است؟

امام(ره) در همان پیام، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی را نیز تبیین می‌کنند؛ سیاستی که بر عزت، استقلال، مقاومت و مقابله با سلطه استوار است. مسئله این نیست که جمهوری اسلامی توان مذاکره ندارد؛ مسئله این است که بر سر اصول خود معامله نمی‌کند.

از سوی دیگر، مقایسه وضعیت امروز ایران با وضعیت پایان جنگ تحمیلی نیز قیاسی نادرست است. امروز ایران، ایرانی مقتدر با توان دفاعی، قدرت بازدارندگی، تجربه راهبردی و پشتوانه مردمی است. بسیاری از نخبگان، نیروهای مسلح و بدنه اجتماعی کشور پای آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند. مقایسه این وضعیت با آن شرایط، قیاس مع‌الفارق است.

شگفت آنکه همان کسانی که سخنان صریح امام(ره) درباره مقاومت، استکبارستیزی، صدور انقلاب و مبارزه با آمریکا را «تندروی» می‌نامند، هنگام استناد به امام، تنها یک جمله را انتخاب می‌کنند و همه پیام را نادیده می‌گیرند.

حقیقت آن است که بعضی از این واژه‌ها، مانند مقاومت، استکبارستیزی، انتقام، عزت، استقلال و صدور انقلاب، انگار نه فقط در دایره فکری برخی، بلکه حتی در دایره واژگان آنان نیز جایی ندارد. این حرف‌ها در دهان‌شان نمی‌چرخد؛ چه رسد به اینکه به آن باور داشته باشند. با این حال، خود را مفسر اندیشه امام معرفی می‌کنند و می‌کوشند از امام مبارزه، امام سازش‌بازانند.

اگر واقعاً می‌خواهیم به امام استناد کنیم، راهش روشن است؛ پیام پذیرش قطعنامه را از ابتدا تا انتها بخوانیم. آنچه از این پیام فهمیده می‌شود، فریاد عزت، مقاومت، استکبارستیزی و استمرار مبارزه با سلطه است، نه دعوت به تسلیم و اعتماد به دشمن.



مهدی عامری

کارشناس سیاسی

ایسن روزها عده‌ای برای دعوت به تسلیم در برابر خواسته‌های غیرمشروع آمریکا، به‌پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی (ره) استناد می‌کنند. گویی همین که امام(ره) قطعنامه را بپذیرفتند، پس هرگونه توافق، عقب‌نشینی و پذیرش مطالبات آمریکا نیز مطلوب و منطبق با خط امام(ره) است؛ اما این برداشت، بیش از آنکه بر متن پیام امام استوار باشد، بر یک تیتیر مشهور تکیه دارد؛ «جام زهر».

واقعیت این است که بسیاری از این افراد، اگر پیام‌پذیرش قطعنامه را از ابتدا تا انتها بخوانند، دیگر نمی‌توانند چنین تفسیری ارائه دهند؛ زیرا روح حاکم بر آن پیام، نه تسلیم است، نه سازش و نه انفعال؛ بلکه مقاومت، استکبارستیزی، آرمان‌خواهی و استمرار مبارزه است.

امام پیام خود را با محکومیت جنایت آل‌سعود در فاجعه حج ۱۳۶۶ آغاز کرده و آنان را وابسته به آمریکا معرفی می‌کنند. سپس از انتقام این جنایت سخن می‌گویند، از رسالت جهانی انقلاب اسلامی رونمایی می‌کنند، از گسترش اسلام ناب و از این آرزو که حتی از نافوس کلیساهای نیز فریاد «مرگ بر آمریکا» شنیده شود. ایشان در همان پیام تصریح می‌کنند: «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد.»

کدام بخش دعوت به سازش است؟

امام در این پیام، از مبارزه با استکبار، نفی رفاه‌طلبی، حفظ روحیه جهاد و استمرار مقاومت سخن می‌گویند. پیام ایشان، پیام ایستادگی است، نه عقب‌نشینی. پذیرش قطعنامه نیز در منطق امام، نه تغییر آرمان‌ها، بلکه انجام یک تکلیف دشوار بر اساس مصلحت اسلام و انقلاب بود. تعبیر «جام زهر» نیز بیان‌کننده تلخی این تکلیف است، نه تغییر مسیر انقلاب. با این حال، جریانی که سال‌هاست نسخه سازش می‌پیچد، تنها همان تعبیر «جام زهر» را برمی‌دارد و بقیه پیام را کنار می‌گذارد. آنان بارها از رهبری خواسته‌اند «جام زهر» بنوشد؛ اما مقصودشان هرگز تغییر تاکتیک برای حفظ اصول نبوده است، بلکه در عمل می‌گویند همه آنچه امام در همان پیام بر آن تأکید کرد، کنار گذاشته شود؛ نه از «مرگ بر آمریکا»

تقویم انقلاب

انقلاب علیه آمریکا!

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران-۱۳

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



پس از اینکه وابستگی همه‌جانبه محمدرضا شاه با سران آمریکا به هم پیوند خورد و هر دستوری از سوی شاه به منزله «قانون» تلقی می‌شد، به معنای واقعی کلمه حاکمیت استبدادی و «دیکتاتوری» حاکم شد. در این زمان معاون وزیر خارجه وقت آمریکا به ایران آمد و طی سخنانی ابراز امیدواری کرد که شاه کوشش شجاعانه‌ای به عمل آورده است تا از بروز یک انقلاب جلوگیری کند. از بهمن ۱۳۴۱ شاه تصمیم گرفت یک قدرت‌نمایی از خود نشان دهد تا برای همیشه جریان مخالف شاه مرعوب و ضعیف بماند. در این زمینه شاهد چند ماجرا در مقابله با اسلام‌هستی:

۱-امام خمینی (ره)عید نوروز سال ۱۳۴۲ را به دلیل رفتار مستبدانه رژیم محمدرضا شاه عزای عمومی اعلام کرد. از طرفی دوم فروردین نیز مصادف با شهادت امام جعفرصادق(ع) بود و لذا مراسم سوگواری در مدرسه فیضیه برگزار شد. در این وضعیت، نیروهای پلیس به همراه و محوریت ساواک به اجتماع مدرسه فیضیه هجوم بردند.

۲-امام راحل با حضور مداوم و پیگیری، مبارزه با رژیم شاه را تا عصر عاشورای سال ۱۳۴۲ ادامه دادند و مردم هم با تظاهرات، برگزاری عزاداری و برپایی هیئت‌ها با در دست داشتن عکس امام خمینی (ره) و سردادن شعار «خمینی خدانهگدار تو، ملت طرفدار تو» در خیابان‌های قم و تهران صحنه‌گردان بودند.

۳-قسمت کوتاهی از سخنان امام راحل را در عصر عاشورا مرور می‌کنیم. آنجا که فریاد زدند: «اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای اسلام باشند، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد، اسرائیل به دست عمال سیاه خود مدرسه فیضیه را کوبید، ما را می‌کوبد، شما ملت را می‌کوبد، می‌خواهد اقتصاد شما [ملت] را قبضه کند، می‌خواهد تجارت و زراعت شما را از بین ببرد. می‌خواهد ثروت‌ها را تصاحب کند و...»

۴-پس از سخنرانی امام، روح تازه‌ای به جامعه دمیده شد و راه مبارزه هموارتر شد و به هر پرسش و شبهه‌ای که ایجاد شده بود پاسخ داده شد؛ اما این بیانات برای سازمان امنیت و عوامل آمریکا و رژیم صهیونیستی قابل تحمل نبود و در نیمه شب ۱۵ خرداد کامیون‌هایی از سرباز گارد و نیروهای امنیتی، از تهران مأموریت یافتند تا امام خمینی (ره) را دستگیر کنند. این خبر از همان بامداد ۱۵ خرداد منتشر شد و در شهرهای قم، تهران، ورامین، شیراز، مشهد و اصفهان حرکت خونینی رخ داد که به نام قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در تاریخ ثبت شد.

۵-از ۱۵ خرداد تا روز ۱۱ مرداد امام(ره) در بازداشت و در زندان به سر بردند. آنها در این مقطع هم نقشه‌های بسیاری کشیدند؛ اما ناکام شدند و با فشار مردم، علما و مراجع تقلید از ۱۱ مرداد جنبش امام به حضر تبدیل شد. گفتنی است، مدتی که ایشان در شمال تهران در حصر بودند، رفت و آمد علما و بزرگان و مردم تحت کنترل نیروهای امنیتی انجام می‌گرفت تا اینکه مجبور شدند در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۴۲ امام را آزاد کنند.

محفل روشنفکران در مشهد

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۱۵



دوستان بنا بود جهان‌بینی اسلام را بنویسیم.

بعد با تبعید بنده و بعضی دیگر از دوستان به ایرانشهر، جمع تقریباً متلاشی شد؛ لیکن بنا گذاشتیم کار را انجام دهیم. از جمله افراد این مجموعه، مرحوم شهید باهنر بود؛ به ایرانشهر آمد و گفت شما که اینجا کاری ندارید، این تحقیق را انجام دهید. دیدیم حرف خوبی است. بعد ایشان نکته‌ای گفت که بسیار مهم بود. کتاب تعلیمات دینی سال سوم و چهارم دبیرستان را که به‌وسیله خود ایشان و یک جمع دیگر و با برنامه‌ریزی مرحوم شهید بهشتی تنظیم می‌شد آورد و به من داد؛ گفت این را شما بخوانید، ببینید پایه معرفت دینی جوان دانش‌آموز ما چقدر است؛ فراتر از این، چشم‌اندازی را در مسائل دینی تعریف کنید. کتاب را خواندیم، دیدیم مطالب خیلی خوب و بالارزشی است. بنابراین، بر اساس آنچه امثال شهید بهشتی و شهید مطهری و دیگر بزرگان فکر و اندیشه اسلامی کار کرده‌اند، باید نوشت و گفت.»

یکی از دوستان آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد استاد محمدتقی شریعتی بود که از ارتباط نزدیکی هم با پدر آقای خامنه‌ای داشت. میزان محبت و علاقه ایشان به مرحوم شریعتی پدر را می‌توان در پیامی که به مناسبت درگذشت ایشان صادر کردند، مشاهده کرد. در این پیام می‌خوانیم:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم / درگذشت متفکر و محقق اسلامی، استاد محمدتقی شریعتی (قدس‌سره) را به همه دوستان، علاقه‌مندان، شاگردان و به ویژه بازماندگان ایشان تسلیت می‌گویم و رحمت و غفران الهی را برای آن فقید سعید مسئلت می‌کنم. این رادمرد دینی از پیشروان و پایه‌گذاران اندیشه «بازگشت به قرآن و نهج‌البلاغه» و خود مفسر قرآن و مدرس و شیفته نهج‌البلاغه بود. خدمت ارزنده او در تعلیم و تربیت اسلامی نسل جوان و مبارزه پیگیر و دشوار او با تفکرات الحادی، آن هم در هنگامی که روش‌های مناسب برای این مقابله فکری و سیاسی کمتر شناخته شده

و مقابله فکری و سیاسی کمتر شناخته شده

و مقابله فکری و سیاسی کمتر شناخته شده

چکمه استعمار!

مرور بر حضور استعمارگران در سرزمین سرخپوستان

مزارع نیشکر و پنبه وابسته می‌کرد و هرگونه مقاومت یا کاهش بازدهی، با شکنجه، قطع عضو یا اعدام پاسخ داده می‌شد. اسناد تاریخی گواهی می‌دهند که ده‌ها هزار بومی در اثر کار طاقت‌فرسا و سوءتغذیه جان باختند و بقیه نیز به تدریج هویت، زبان و آیین‌های خود را از دست دادند.

این ترسور فرهنگی، شاید تلخ‌ترین وجه جنایت اسپانیایی‌ها باشد؛ زیرا آنها با ویران کردن معابد، سوزاندن نوشته‌ها و ممنوعیت زبان‌های بومی، هرگونه حافظه تاریخی یک تمدن را محو کردند و به جای آن، فرهنگ، مذهب و زبان اسپانیایی را با زور شمشیر و آتش تفتیش عقاید تحمیل کردند تا جایی که هرگونه مراسم اجدادی را به منزله بت‌پرستی، مستوجب مجازات اعدام می‌دانست.

غارت اقتصادی نیکاراگوئه نیز جنایت دیگری است که کمتر از نسل‌کشی انسانی فاجعه‌بار نبود. اسپانیایی‌ها زمین‌های حاصلخیز و جنگل‌های ارزشمند این سرزمین را مصادره کردند و بومیان را به مزارع عظیم صادراتی کاکائو، نیل و بعدها قهوه کشاندند تا ثروتی عظیم به جیب تاج‌وتخت اسپانیا سرازیر شود، در حالی که خود نیکاراگوئه در فقر مطلق و گرسنگی دست‌وپای‌ی زد.

ورود اسپانیایی‌ها به نیکاراگوئه در سال ۱۵۲۴ به رهبری «فرانسیسکو هرناندز دو کوردوبا»، هیچ‌گاه یک «کشف» یا «تمدن‌آوری» نبود؛ بلکه آغازگر یکی از وحشی‌ترین پروژه‌های استثمار و نسل‌کشی در قاره آمریکا به‌شمار می‌رود. تأسیس شهرهای گراندآ و لئون در کرانه‌های دریاچه‌های نیکاراگوئه و مانگوا، اگرچه در ظاهر بنیان‌گذاری دوشهر اصلی این کشور به شمار می‌آید، در باطن، پایه‌ریزی یک نظام برده‌داری سازمان‌یافته بود که بومیان این سرزمین را به مثابه کالایی مصرف‌شدنی تلقی می‌کرد.

اسپانیایی‌ها با تکیه بر برتری تسلیحاتی و شیوع بیماری‌های واگیردار که جمعیت بومی هیچ ایمنی در برابر آن نداشت، طی چند دهه، جمعیت عظیم قبایل بومی، مانند نیکاراو و چوروگارا را به کمتر از یک‌دهم تقلیل دادند. آبله، سرخک و تیفوس، که مهاجمان عمداً یا سهواً آن را منتشر کردند، جمعیتی بالغ بر صدها هزار نفر را به کام مرگ فرستاد.

هم‌زمان با این فاجعه انسانی، اسپانیایی‌ها سیستم وحشیانه «انکومیندا» را در نیکاراگوئه پیاده کردند که در عمل، مجوزی رسمی برای برده‌داری بی حد و حصر بود. هر فاتح اسپانیایی، با دریافت سهمیه‌ای از بومیان، آنها را به کار اجباری در معادن،

قطعه‌نامه تسلیم نبود

باز خوانی تاریخ از افق شهید آیت الله العظمی خامنه‌ای

چیزهایی نیست که بتوان انکارشان کرد. مسائلی است که مناقشات بسیاری درباره آن شکل گرفته است. جنگ ایران و عراق هم که هشت سال به طول انجامید، از جمله جنگ‌هایی بود که به دلایل متعددی احساس می‌شد پایان بخشیدن به آن به این سادگی هانیتس.

پیروزی‌های ارزشمند جمهوری اسلامی در میدان‌های نظامی و عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۵ موجب شد تا برای اولین بار قطعه‌نامه‌ای صادر شود که تا اندازه قابل قبولی با ترتیبات مدنظر ایران هماهنگ باشد. قطعه‌نامه‌ای که به ۵۹۸ شهرت یافت و سرانجام در ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۷ جمهوری اسلامی آن را پذیرفت.

درباره پذیرش این قطعه‌نامه حرف‌ها و حدیث‌هایی مطرح شد در این باره توضیحات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای شنیدنی است. امام شهیدمان در ۱۸ مهر ماه ۱۳۸۵ در دیدار با کارگزاران نظام‌می‌فرمایند:

«حقیقت را درباره مسئله جنگ، همه مردم و مسئولان ما می‌دانند. در جنگ، مسئولان نظامی و سیاسی، همه‌شان تلاش کردند و همه‌شان خدمت کردند. ما اینهارا به چشم خودمان از نزدیک مشاهده کردیم؛ همه‌شان هم ضعف‌هایی داشتند. اینها

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

بخشی از جامعه روشنفکری پیش از پیروزی انقلاب اسلامی که با عنوان «روشنفکری دینی» می‌توان از آن یاد کرد، در مسیر مبارزه قدم‌های مثبتی برمی‌داشت که همین امر موجب ارتباط سیدعلی جوان با این محافل بود. برای نمونه، آقای خامنه‌ای در بهار ۱۳۴۹ در جهت عمق بخشیدن به روند نهضت اسلامی و تقویت بن‌مایه‌های عقیدتی مبارزه با رژیم پهلوی، سلسله جلساتی را پایه‌گذاری کرد که در آن ایده مبارزاتی خود مبنی بر تدوین جهان‌بینی وایدنولوژی اسلامی را با دعوت از افرادی، چون مرتضی مطهری، سیدمحمود طالقانی، سیدابوالفضل زنجانی، مهدی بازرگان، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، یدالله سجایی، عباس شیبانی وکاظم سامی به بحث و بررسی گذاشت. این سلسله جلسات به تدوین جهان‌بینی و ایدنولوژی اسلامی انجامید.

این نشست‌ها در طول حیات سیاسی آقای خامنه‌ای مکرر تکرار شده است. برای نمونه، در تأیستان سال ۱۳۵۵ نشستى در منزل آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد برگزار شد که در آن بزرگانی چون محمدحسین بهشتی، محمدجواد باهنر، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، علی مشکینی، حسینعلی منتظری، احمد جنتی، سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، سیدمحمد خامنه‌ای، محمدمومن، سیدحسن طاهری، عباس واعظ طبسی، محمدجواد حجتی کرمانی، محمدعلی موحدی کرمانی و مهدی ربانی املشی حضور داشتند. آن جمع قرار بود که در زمینه تدوین منشور اسلامی قدم‌هایی جدی بردارد. این نشست‌ها با فاصله‌های نامتوازی تا پاییز سال ۱۳۵۶ در تهران و در منزل شهید باهنر تداوم یافت.

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره آن جلسات می‌گویند: «سال ۱۳۵۶ به اتفاق جمعی از

قبلیه عشق

پسرم لب تشنه شهید شد



امیرحسین، فرزند دوم خانواده بود. همان‌طور که از اسمش پیداست، من و پدرش با نذر و نیاز او را از امام حسین(ع) گرفتیم و با هدف ادای نذرمان سالیان سال برای یک هیئت نزدیک منزل‌مان غذا تهیه می‌کردیم. هر وقت اسم امیرحسین را صدا می‌کردم، به یاد امام حسین(ع) می‌افتادم و به خود می‌بالیدم که اسم پسرم هم اسم امام حسین(ع) است. پسرم مثل آقا امام حسین(ع) لب تشنه با زبان روزه شهید شد.

پسرم طی دوران تحصیلاتش شاگرد زرتنگ کلاس بود و در هر مقطعی از تحصیل به درسش خیلی اهمیت می‌داد. بسیار علاقه‌مند بود و در کنار تحصیل، زبان انگلیسی هم می‌آموخت تا اینکه بعدها زبان انگلیسی را در آموزشگاه زبان تدریس می‌کرد. ایشان طی دورانی که مربی بسیج بود، به بچه‌ها زبان یاد می‌داد.

پس از فوت همسرم بچه‌هایم پشت و پناه‌شان را از دست دادند، مخصوصاً امیرحسین که تازه به ۱۸ سالگی رسیده بود و نیاز به همراهی داشت؛ از آن موقع بود که مرد زندگی ما شد و در کنار تحصیل در رشته مهندسی نرم‌افزار، کار هم می‌کرد.

یادم است در یک مقطعی از طرف سپاه وارد مسجدشان شدند و نیرو می‌خواستند. ایشان هم بدون اینکه به ما چیزی بگوید، نام‌نویسی کرد و اسمش درآمد. خیلی خوشحال بود که اسمش درآمده است. به خواهر بزرگش گفته بود، ولی باز از تخصص اصلی شغلی‌اش به ما نگفت. همیشه به خواهرش می‌گفت آبجی من مطمئنم بابا برایم دعا کرده است که من اینجا اسمم دربیاید.

به نقل از مادر شهید
امیرحسین فخری‌فهی

«شهید امیرحسین فخری‌فهی»، نخبه نرم‌افزار سایبری و از پاسداران گمنام کشورمان بود که در جریان جنگ تحمیلی چهل روزه در بمباران دشمن آمریکایی-صهیونیستی به شهادت رسید. امیرحسین متولد ۲۸ دی‌ماه ۱۳۷۸ در خیابان ۱۷ شهریور تهران و تنها پسر خانواده بود. او که پس از فوت پدرش، خود را مکلف به نگهداری از خانواده می‌دانست، در روز ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۴ با اصابت پرتابه دشمن به محل کارش به شهادت رسید و پیکر پاکش در روز ۱۵ اسفند در گلزار شهدا و قطعه ۴۲ تشییع و خاکسپاری شد.

نماینده ولی فقیه در سپاه

رهبر شهید دین را به نظام زندگی ساز تبدیل کرد



کنیم، درمی‌یابیم که مفاهیم کلیدی همچون توحید، بعثت و امامت، نه در قالب مباحث صرفاً ذهنی یا کلامی محض، بلکه به عنوان

دین را در صحنه زندگی معنا کردند؛ به گونه‌ای که اگر آثار ایشان همچون «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» را مرور

«حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی صادقی» برجسته‌ترین ویژگی شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را «نگاه حماسی و انقلابی به دین» دانست و افزود: «رهبر شهید دین را از مفهوم انتزاعی به «نظام زندگی ساز» تبدیل کرده است.»

نماینده ولی فقیه در سپاه، در همایشی که برای طلاب بسیجی مشهد برگزار شده بود، با تأکید بر تمایز گفتمانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با برخی رویکردهای سنتی در حوزه‌های علمیه، خاطرنشان کرد: «برجسته‌ترین ویژگی ایشان، «دین‌شناسی حماسی» و «انقلابی‌گری» است.» ایشان

سردار محسن رضایی

سیاست «هم جنگ هم مذاکره» تمام شده است



اسلام‌آباد در پیش گرفت. پذیرش آتش‌بس دوهفته‌ای از سوی ایران، فرصتی را در اختیار آمریکا قرار داد تا در حین مذاکره، محاصره دریایی ایران را تکمیل کند.»

وی توضیح داد: «پس از مخالفت ایران با تمدید این فرصت، واشنگتن با تمدید یک‌جانبه آتش‌بس در دو ماه گذشته، به بازسازی تسلیحاتی، تامین ناوها و هواپیماهای

فرودگاه بندرعباس، جزیره قشم و تأسیسات آب‌شیرین‌کن، بند اول تفاهم‌نامه مبنی بر احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی را به طور کامل نقض کرد.»

وی افزود: «واشنگتن آزادسازی ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران را به دریافت وام و خرید انحصاری کالا و مواد غذایی از شرکت‌های آمریکایی مشروط کرد.»

سردار رضایی تصریح کرد: «طرف آمریکایی با هدف اعمال فشار حداکثری و وادار کردن ایران به عقب‌نشینی، تفاهم‌نامه را امضا کرد و به همین دلیل از ارجاع پرونده به کمیته حل اختلاف (با حضور پاکستان و قطر) خودداری کرد؛ چرا که در صورت بررسی، محکومیت مواضع واشنگتن قطعی بود.»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرد: «ایالات متحده سیاست هم‌زمان «جنگ و مذاکره» را پس از گفت‌وگوهای

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام طی گفت‌وگویی اظهار داشت: «پیش‌بینی پاره شدن تفاهم‌نامه به دست «دونالد ترامپ» به این دلیل محقق شد که پیش از آن، واشنگتن عملاً با زیر پا گذاشتن هر پنج بند مقدماتی، توافق را از بین برده بود.»

سردار محسن رضایی افزود: «نخستین تخلف آمریکا، کارشکنی در آتش‌بس لبنان و عقب‌نشینی نکردن رژیم صهیونیستی بود. در ادامه، طرف آمریکایی با تحریک و هدایت کشتی‌ها برای عبور غیرقانونی و خارج از نظارت ایران از تنگه هرمز، به نقض دوم توافق دست زد.»

سردار رضایی اظهار داشت: «در پاسخ به این قانون‌شکنی، ایران با کشتی‌های متخلف برخورد کرد. متعاقب آن، ارتش آمریکا با حمله نظامی به سواحل کشور،

که هیچ‌گونه ارتباطی با مراجع رسمی نداشته و مورد تأیید این مجموعه نیست.

بدین‌وسیله تمامی صفحات و کانال‌های غیر از موارد زیر تکذیب شده و فاقد اعتبار رسمی اعلام می‌شوند. انتشار یا بازنشر اخبار این صفحات می‌تواند موجب تشویش افکار عمومی، انتشار اطلاعات نادرست و آسیب به امنیت و منافع ملی شود.»

تنها صفحات رسمی در شبکه اجتماعی ایکس:

فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: IRGC_HQ

– سخنگوی سپاه: irgcspeaker

– فرماندهی نیروی دریایی: niroo_dayayi

– فرمانده نیروی زمینی: IrgcCommander

– فرماندهی سازمان بسیج مستضعفین: Basij_HQ

♦ صفحه رسمی در آپ اسکرول:

– فرمانده نیروی هوافض: smajid_moosavi

– فرمانده نیروی قدس: Esmail_Qaani@

♦ صفحه رسمی در ویراستی:

– فرمانده نیروی هوافضا: smajid_moosavi@

– فرمانده نیروی قدس: Esmail_Qaani@

تنها کانال‌های رسمی سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی در پیام‌رسان‌ها:

پایگاه اطلاع‌رسانی: sepahnews.ir

– تلگرام: @sepahnews۴۰۳

– بله، اینستا، روبیکا، سروش و فارس‌من: @sepahnews

هرگونه صفحه، کانال یا حساب کاربری خارج از فهرست فوق که با نام، عنوان یا نشان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا فرماندهان آن فعالیت کند، فاقد اعتبار بوده و قابل استناد نیست.

از عموم کاربران درخواست می‌شود اخبار و اطلاعات را صرفاً از مجاری رسمی دریافت کرده و از بازنشر محتوای صفحات جعلی خودداری کنند.

آمریکا در آتش

در پاسخ به تجاوزات مکرر دشمن، شهادت هم‌وطنان عزیز و حمله به پل‌ها، زیرساخت‌ها و مناطق غیرنظامی، ساعتی قبل و در مرحله شانزدهم عملیات صاعقه، ارتش جمهوری اسلامی ایران، انبار مهمات ارتش تروریستی آمریکا در اردوگاه العدیری و رادار پاتریوت و رادار هوایی این ارتش متجاوز در پایگاه علی‌السلام کویت را، آماج حملات پر حجم پهپادهای انهدامی خود قرار داد. اردوگاه العدیری و پایگاه هوایی علی‌السلام از پایگاه‌های مهم ارتش تروریستی آمریکا در منطقه و از مراکز مهم پشتیبانی و تجدید سازمان نیروهای آمریکایی است که اخلاص در عملکرد این پایگاه تأثیر قابل توجهی بر عملیات‌های پشتیبانی ارتش در منطقه می‌گذارد.

مقاومت ادامه دارد

فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران گفت: «در دوره زعامت حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای(حفظه‌الله تعالی)، مسیر نورانی و پرافتخار مقاومت را ادامه خواهیم داد.» سردار قآنی در صفحه مجازی خود نوشت: «فرماندهان و رزمندگان جبهه‌های مقاومت، ضمن قدردانی و اظهار تشکر از کرامت و بزرگواری رهبر معظم انقلاب نسبت به جبهه مقاومت، بار دیگر بر استمرار وفاداری اعتقادی خود به پیمانی که با امام شهید امت، رضوان‌الله تعالی علیه، بسته‌بودیم، تأکید می‌کنیم و اعلام می‌داریم که همچنان در دوره زعامت حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای(حفظه‌الله تعالی)، مسیر نورانی و پرافتخار مقاومت را که بارها مورد تأیید حضرت ایشان بوده و هست، ادامه خواهیم داد.»

شکار جاسوس آمریکایی

رزمندگان تیپ ۴۸ فتح موفق شدند یک فروند پهپاد شناسایی و جاسوسی آمریکا را در مناطق عملیاتی جنوب کشور شکار کنند. بر اساس این اطلاعیه، این پهپاد که در حال انجام مأموریت شناسایی و جاسوسی از مناطق عملیاتی جنوب کشور بود، با تلاش رزمندگان تیپ ۴۸ فتح هدف قرار گرفت و به صورت سالم بر زمین فرود آمد. روابط عمومی سپاه فتح کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به موفقیت این عملیات، اعلام کرد این پهپاد آمریکایی پس از رهگیری و هدف‌گیری، در اختیار نیروهای عمل‌کننده قرار گرفت.

خبر

رویای آمریکا، وابستگی اقتصادی ایران است

ساحل عباسی

خبرنگار

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و استاد اقتصاد گفت: «آیا مسئولی که عنوان می‌کند به جای دلارهای بلوکه شده از آمریکا می‌توانیم غله و نهاده وارد کنیم، فراموش کرده آمریکا همان کشوری است که رهبر عزیز مردم ایران را به شهادت رسانده است؟»

«وحید ارشدی» عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در گفت‌وگو با خبرنگار هفته‌نامه «صبح صادق» درباره واردات کالاهای آمریکایی و آنچه طی هفته‌های گذشته، پیش از نقص تفاهم‌نامه از سوی آمریکا، برخی مدیران داخلی بیان کردند، به چند نکته درباره این موضوع اشاره کرد و گفت: «دولتمردان ایرانی باید بپذیرند ایران تحت تجاوز دشمنانی چون آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته که حامیان منطقه‌ای و غربی، آنها را برای نابودی ایران حمایت می‌کنند و خواستار از هم پاشیدگی این سرزمین و نبود جغرافیایی به نام ایران بزرگ هستند.»

وی در این باره افزود: «مسئولان ایرانی باید بدانند و بپذیرند آمریکا و کشورهای غربی به دنبال سلطه‌گری و استثمار هر چه بیشتر ایران و ایرانیان هستند. به همین دلیل است که طی نزدیک به پنج دهه گذشته تحریم‌ها را بر مردم ایران تحمیل کرده و خواستار وابستگی ما به خود هستند تا اینگونه بتوانند خواسته‌های خود را بر مردم ایران تحمیل کنند. همه دعوی آنها با ما این است که ایران باید تحت فرمان و تحت استثمار آنها باشد؛ چرا که هر کشور و قدرتی که تحت فرمان و مطیع آنها نباشد، نامطلوب معرفی می‌شود و خب طبیعی است که ما زیر بار زور نخواهیم رفت.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «برای اینکه بتوانیم مانع آتش افروزی و تجاوزات مکرر دشمن به کشور عزیزمان شویم، باید نگاه جدی و معناداری به موضوع تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و رشد و جهش تولید داشته باشیم؛ به این معنا که تا جای امکان زمینه را برای استقلال بیشتر کشور، به ویژه در حوزه‌های غذایی در راستای ارتقای امنیت غذایی کشور فراهم کنیم. البته در این حوزه انصافاً عملکرد بسیار خوبی داشتیم، اما باید به



سمت تقویت و تداوم روند‌های موجود برویم تا دشمن به هیچ وجه نتواند از این حوزه‌ها به کشورمان آسیبی وارد کند.»

ارشدی معتقد است: «تا زمانی که به واقعی‌ترین شکل ممکن متوجه قاعده جهان سلطه نشویم، قاعده‌ای که معتقد است منافع هیچ کشوری نباید تأمین شود قبل از اینکه منافع آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی تأمین شود، نمی‌توانیم امنیت و ثبات را به کشور بازگردانیم. بنابراین آگاهی از این اصل، نگاه واقع‌بینانه به مسائل جهان و ضرورت بازگشت و توجه به مردم است.»

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد گفت: «نگاه واقع‌بینانه به مسائل دنیا ناظر بر این موضوع است که باید اقتصاد را قوی کرد و پیمان‌های اقتصادی با کشورهای معتقد کرد که ضربه زدن به آن مرادوات به زیان آن کشورها باشد. همچنین، باید کالاهای ایرانی با تنوع بالا و رقابتی، تولید و روانه بازارهای جهانی کرد تا اقتصاد دنیا به تولید کالاهای ایرانی وابسته باشد؛ این نوع مدیریت بازدارنده است ضمن اینکه منافع عموم مردم را تأمین کرده و رضایت آحاد جامعه از وضعیت اقتصادی و معیشتی را جلب می‌کند. طبیعتاً حرکت به این سمت نیازمند توجه و باور به مسئله تولید و جایگاه و اهمیت آن است.»

ارشدی معتقد است: «اگر چنین نگاه واقع‌گرایانه‌ای بر مسئولان خادم حاکم شود، بی‌تردید آنها نگاه بسیار بدبینانه‌ای به دشمن

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: «وقتی مسئولی به این موضوع باور داشته باشد که آمریکا دوست ما نیست، با پیشنهاد صادرات غله و مواد اولیه تولید و نهاده آمریکایی متوجه می‌شود این واردات می‌تواند دام و ابزاری برای بیماری‌زایی در ایران باشد.» ارشدی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «این موضوع باید به فکر مسئولان خطور کند آمریکایی که بمب و موشک بر سر مردم ایران می‌ریزد و میلیاردها دلار برای کشتار مردم ایران هزینه می‌کند، آیا نمی‌تواند به دنبال انتقال بیماری‌های بیولوژیک به مردم ایران با صادرات غله و نهاده باشد؟»

وی در ادامه بحث تأکید کرد: «به هیچ وجه نباید به آمریکا اعتماد کرد؛ چرا که آمریکایی‌ها با تحریم اقتصادی مردم ایران و بمباران و حمایت از رژیم صهیونیستی و ترور رهبر شهید و کودکان و غیر نظامیان نشان داده‌اند به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند. بنابراین نباید در واردات کالایی که با خوراک و سفره مردم در ارتباط است، به طرف آمریکایی اعتماد کرد.»

ارشدی تأکید کرد: «آیا مسئولی که عنوان می‌کند به جای دلارهای بلوکه شده از آمریکا می‌توانیم غله و نهاده وارد کنیم، فراموش کرده آمریکا همان کشوری است که رهبر عزیز مردم ایران را به شهادت رساند؟ آیا می‌توان آمریکا را کشوری قلمداد کرد که بدون تخاصم با ما مرادوه اقتصادی داشته باشد، در حالی که می‌دانیم آمریکا دشمن ما و حامی رژیم کودک‌کش صهیونیستی است.»

این کارشناس اقتصادی افزود: «آیا مسئولان فراموش کرده‌اند یا هر شب صدای بمباران و موشک‌باران جنوب ایران و جای جای ایران را نمی‌شنوند که به خواست آمریکا بها می‌دهند و با واردات از آمریکا به دنبال تقویت اقتصاد این کشور هستند؛ در حالی که باید به تقویت اقتصاد ایران فکر کنند.»

وی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «بی‌تردید باید با دیده شک به این مدل از مسئول‌نماها نگاه کرد. حتی اگر چنین اتفاقی هم نیفتد، فکر کردن به آن نیز خطاست. واقعاً مشخص نیست براساس کدام جهان‌بینی وقتی هنوز خون بچه‌های میناب خشک نشده است، عده‌ای به دنبال تجارت و واردات محصولات تراریخته بیماری‌زا از آمریکا هستند؛ در حالی که باید به تقویت اقتصاد با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بیندیشند.»

افزوده

چسبندگی قیمت‌ها

به وضعیتی که قیمت کالاها و خدمات پس از افزایش، به‌سادگی و با همان سرعت کاهش پیدا نمی‌کند؛ حتی اگر هزینه تولید یا نرخ ارز افت کرده باشد «چسبندگی قیمت‌ها» گفته می‌شود. این پدیده می‌تواند ناشی از انتظارات تورمی، هزینه تغییر قیمت، انحصار در بازار یا مقاومت فروشندگان در برابر کاهش سود باشد. نتیجه آن است که مصرف‌کنندگان کاهش هزینه‌ها را در قیمت نهایی احساس نمی‌کنند و آثار تورم برای مدت طولانی‌تری در اقتصاد باقی می‌ماند. شناخت چسبندگی قیمت‌ها به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا بدانند مهار تورم تنها با کاهش هزینه‌ها محقق نمی‌شود و به اصلاح ساختار بازار نیز نیاز دارد.



شاخص

غول خورشیدی

چین تنها در سال ۲۰۲۵، با افزودن ۳۳۶ تراوات‌ساعت ظرفیت جدید خورشیدی، رکوردی ثبت کرد که از مجموع تولید برق بسیاری از کشورهای جهان فراتر می‌رود. این میزان حتی از کل برق مصرفی سالانه بریتانیا، معادل ۳۲۲ تراوات‌ساعت نیز بیشتر است؛ آماري که ابعاد سرمایه‌گذاری پکن در انرژی‌های تجدیدپذیر را به‌خوبی نشان می‌دهد. چین همچنین ۵۳ درصد از کل افزایش ظرفیت خورشیدی جهان را به خود اختصاص داده و به موتور اصلی گذار انرژی در جهان تبدیل شده است. در همین حال، انرژی خورشیدی در سال ۲۰۲۵ توانسته ۷۵ درصد از رشد تقاضای جهانی برق را پوشش دهد.



منهای نفت

صادرات گل!

صادرات ۱/۶ میلیون شاخه گل رز از شیراز در سال ۱۴۰۴، نشانه‌ای از ظرفیت رویه‌رشد صنعت گل و گیاه زینتی در ایران است؛ ظرفیتی که می‌تواند فراتر از یک فعالیت کشاورزی، به منبعی پایدار برای ارزآوری و اشتغال تبدیل شود. کیفیت مناسب، تنوع ارقام و استقبال بازارهای منطقه، جایگاه رز شیرازی را در میان محصولات صادراتی تقویت کرده است. با این حال، حفظ این روند نیازمند توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، بسته‌بندی استاندارد و تسهیل فرآیندهای صادراتی است. اگر زنجیره تولید تا صادرات به‌صورت هدفمند تقویت شود، گل رز می‌تواند سهم بیشتری از بازارهای منطقه را به خود اختصاص دهد.



یادداشت

اجاره‌بها

با مصوبات کنترل نمی‌شود

فرهاد بیضایی

کارشناس مسکن

بررسی‌های میدانی قیمت‌های فعلی بازار مسکن، حاکی از آن است که متأسفانه قیمت مسکن در مقایسه با سال گذشته افزایش دو برابری داشته است. فعالان بازار مسکن و مستأجرانی که در فایلهای مسکن واکاوی می‌کنند، مؤید این موضوع هستند که متأسفانه افزایش صد درصدی قیمت مسکن از سال گذشته تا کنون فشار مضاعفی بر قشری وارد کرده که صاحب ملک نیستند. بی‌تردید افزایش اجاره‌بها نگران‌کننده است؛ چرا که قدرت خرید مردم صد درصد افزایش نیافته است. بنابر این از قیمت‌های جدید مسکن در حوزه اجاره‌بها بسیار عقب‌تر است؛ از این رو نگرانی نسبت به این موضوع که مستأجران در سال جاری چه وضعیتی خواهند داشت، از مهم‌ترین موضوعاتی است که دولت و حاکمیت باید بر آن تمرکز کنند. یکی از موضوعاتی که دولت هر سال در دستور کار خود قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری و تدوین و ابلاغ مصوبه‌هایی در راستای ساماندهی بازار مسکن با هدف حمایت از مستأجران است که بخش مهمی از آن به تکالیف دستوری حول محور افزایش اجاره‌بها با تعیین سقف و اعطای وام رهن واحدهای مسکونی بازمی‌گردد. با این حال راهبردهای دولت نتوانسته است دورنمای مطلوبی در راستای کاهش نگرانی مستأجران داشته باشد. موضوع حائز اهمیت این است که قیمت‌گذاری دستوری راهکار اطمینان‌بخشی نیست، یعنی دولت با قیمت‌گذاری دستوری و اعمال فشارهای بخشنه‌ام‌ای نمی‌تواند کمک چندانی به مستأجران داشته باشد؛ چرا که بخشی از فرآیند اجاره دادن ملک، موقری است که مالک است و قیمت را تعیین می‌کند؛ لذا تحت فشار نمی‌توان موقر را به افزایش ندادن اجاره‌بها ترغیب کرد. بی‌تردید نظارت بر بازار مسکن موضوع بسیار مهمی است، اما با مصوبات دولتی و نظارت‌هایی بر اکنده زیراً موقران تحت این عنوان که هزینه نگهداری ملک و هزینه‌های زندگی به واسطه افزایش تورم بالا رفته، خود را محق افزایش اجاره‌بها می‌دانند. به نظر می‌رسد دولت با عرضه مسکن، حمایت‌های قانونی و مالیاتی و کاهش سنگ‌اندازی پیش پای بخش خصوصی می‌تواند زمینه‌ای برای ساخت‌وساز و حمایت از مستأجران ایجاد کند؛ چرا که در غیر این صورت با بخشنه‌ام‌های دولتی و اعمال زور نمی‌توان موقران را به افزایش ندادن اجاره به میزان تورم وادار کرد. کاهش میزان تورم تنها گزینه معقولی است که می‌تواند به حمایت از مستأجران منجر شود. دولت باید سیاست‌هایی ناظر بر کاهش میزان تورم داشته باشد؛ چرا که نه تنها مستأجران، بلکه سایر اقشار جامعه نیز از کاهش میزان تورم بهره‌مند می‌شوند؛ ضمن اینکه راه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در عرصه ساخت‌وساز مسکن فراهم می‌شود. مسکن اصلی‌ترین نیاز هر انسانی است؛ بنابراین، دولت‌ها در جوامع امروز مسئولیت سنگینی در حفظ و حراست از حریم خانوارهایی دارند که باید سقفی بر سر داشته باشند و بخش قابل توجهی از درآمد‌های خود را صرف پرداخت اجاره‌بها نکنند؛ چرا که سایر هزینه‌ها تأمین نمی‌شود و فقر و چشم‌پوشی از تأمین سایر نیازها، زندگی را برای طبقه مستأجران بسیار سخت می‌کند.

دیگران

دو قطبی‌سازی دشمن امنیت و انسجام ملی!

سید علی اکبر حسینی

پژوهشگر امنیت ملی

امروزه دیگر کمتر سیاستمدار هوشمند و آگاهی را می‌توان یافت که نداند که «انسجام ملی» مهم‌ترین ضریب تبدیل قدرت سخت به قدرت مؤثر به شمار می‌آید. هر اندازه جامعه همبستگی بیشتری داشته باشد، ظرفیت کشور برای تحمل فشارهای خارجی افزایش می‌یابد.

دشمن در جنگ‌های نوین تنها به دنبال تخریب زیرساخت‌های نظامی، اقتصادی یا انرژی نیست. هدف اصلی، کاهش تاب‌آوری ملی و فرسایش اراده جامعه برای ادامه مقاومت است. به همین دلیل، همه نظریه‌های جنگ ترکیبی بر این نکته تأکید دارند که عملیات روانی، قطبی‌سازی اجتماعی و ایجاد بی‌اعتمادی داخلی، مکمل عملیات نظامی هستند، نه پدیده‌ای جدا از آن. هنگامی که آسمان جنوب کشور با حملات مستمر مواجه است، طبیعی است که اتاق‌های فکر دشمن نیز هم‌زمان به دنبال تشدید اختلافات در فضای داخلی باشند تا فشار نظامی با فرسایش اجتماعی همراه‌شود.

آنچه در این میان نگران‌کننده است، آن است که گاهی برخی جریان‌ها و چهره‌های سیاسی در داخل کشور، خوسته‌با ناخوسته، دقیقاً در مسیر حرکت می‌کنند که نتیجه آن افزایش شکاف‌های داخلی است. استفاده از ادبیات حذف، متهم کردن بخش‌هایی از جامعه، بازتولید منازعات سیاسی و فرهنگی و تبدیل رسانه‌ها به میدان تسویه‌حساب‌های جناحی، در وضعیت عادی نیز آثار منفی دارد، اما در شرایط جنگی، این رفتارها می‌تواند پیامدهای امنیتی قابل توجهی به همراه داشته باشد.

نکته تأمل‌برانگیز آن است که بخشی از این افراد، خود را مدافع ارزش‌های انقلاب و منافع ملی معرفی می‌کنند. انقلابی‌گری، اگر به معنای دفاع از استقلال، امنیت، عزت و منافع کشور باشد، طبیعتاً با هر اقدامی که سرمایه اجتماعی و انسجام ملی را تضعیف کند، ناسازگار است. نمی‌توان از یک سو شعار دفاع از کشور سرد داد و از سوی دیگر، با تولید مستمر دوقطبی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، مهم‌ترین مؤلفه قدرت ملی را فرسوده کرد.

امروز یکی از مهم‌ترین وظایف نظام حکمرانی، صیانت از سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته در روزهای سخت جنگ است. مردم کشورمان، با وجود تفاوت دیدگاه‌ها و گرایش‌های موجود، نشان داده‌اند که هنگام تهدید تمامیت ارضی و امنیت ملی، در کنار کشور خود می‌ایستند. این رفتار مسئولانه، سرمایه‌ای راهبردی است که نباید قربانی منازعات کوتاه‌مدت سیاسی شود.

رسالت رسانه‌ها در وضعیت جنگی، تقویت آرامش روانی جامعه، افزایش اعتماد عمومی، تبیین واقع‌بینانه تحولات و کمک به همگرایی ملی است. اگر رسانه‌ای با اتکا به منابع عمومی به بستری برای بازتولید شکاف‌های داخلی یا تشدید تنش‌های سیاسی تبدیل شود، ضروری است مأموریت، کارکرد و سازوکارهای نظارتی آن مورد بازنگری قرار گیرد. واقعیت آن است که بازآرایی سیاسی و رسانه‌ای، موضوعی برای دوران پس از جنگ نیست. همان‌گونه که نیروهای مسلح تجهیزات خود را در میانه نبرد به‌روزرسانی و بازسازی می‌کنند، نظام حکمرانی نیز باید هم‌زمان با مدیریت تهدید خارجی، نقاط آسیب‌پذیر داخلی را اصلاح کند. به تعویق انداختن این اصلاحات، به معنای کاهش تاب‌پذیری ظرفیت کشور برای مدیریت شرایط پیش‌رو خواهد بود. حفظ انسجام ملی، مسئولیتی مشترک برای همه جریان‌های سیاسی، رسانه‌ها و نهادهای اثرگذار است.



اهمیت راهبرد ملی در مدیریت انسجام داخلی

خطای تأخیر در تغییر!

♦ مهم‌ترین مؤلفه قدرت ملی

در نظریه‌های جدید امنیت ملی، مفهوم «تاب‌آوری ملی» به تدریج جایگزین نگاه سنتی به قدرت سخت شده است. تجربه کشورهای مانند بریتانیا در جنگ جهانی دوم، فنلاند در برابر فشارهای شوروی، اوکراین پس از سال ۲۰۲۲ و حتی رژیم صهیونیستی در مدیریت بحران‌های امنیتی نشان می‌دهد، انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی از مهم‌ترین منابع تولید قدرت در وضعیت جنگی به شمار می‌آیند. هر اندازه جامعه دچار قطبی‌سازی، بی‌اعتمادی و شکاف‌های داخلی شود، هزینه اعمال فشار خارجی کاهش یافته و دشمن با منابع کمتری قادر به ایجاد بی‌ثباتی خواهد بود.

به همین دلیل، کم و بیش همه دولت‌ها در وضعیت جنگی تلاش می‌کنند اختلافات داخلی را تا حد امکان مدیریت کرده و رقابت‌های سیاسی را در چارچوب منافع ملی تنظیم کنند. این رویکرد به معنای حذف تنوع دیدگاه‌ها نیست، بلکه به معنای ایجاد مرز مشخص میان رقابت سیاسی و اقداماتی است که در عمل سرمایه اجتماعی و امنیت ملی را تضعیف می‌کند.

کشورمان نیز در جریان جنگ اخیر شاهد شکل‌گیری چنین سرمایه‌ای بود. اقشار گوناگون جامعه، فارغ از گرایش‌های سیاسی، در دفاع از امنیت ملی و مقابله با تهدید خارجی نقش‌آفرینی کردند. همین مسئله نشان داد که ظرفیت همگرایی ملی همچنان وجود دارد و می‌توان بر پایه آن بسیاری از شکاف‌های گذشته را ترمیم کرد.

♦ خلأ راهبرد ملی

با وجود این تجربه ارزشمند، بخشی از فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور همچنان بر اساس منطق رقابت‌های کوتاه‌مدت و منافع جناحی عمل می‌کند. استمرار تولید ادبیات تقابلی، برجسته‌سازی اختلافات، دامن زدن به شکاف‌های هویتی و تبدیل رسانه به ابزار تسویه‌حساب‌های سیاسی، در شرايطی که کشور با تهدیدهای خارجی روبه‌روست، با الزامات حکمرانی بحران‌سازگار نیست.

نکته تأمل‌برانگیز آن است که بخشی از این رفتارها در رسانه‌هایی مشاهده می‌شود که از منابع عمومی و بودجه ملی بهره‌مند هستند. در اغلب نظام‌های سیاسی، استفاده از منابع عمومی مستلزم رعایت مسئولیت عمومی است. رسانه‌ای که با اتکا به بیت‌المال فعالیت می‌کند، ضمن حفظ استقلال حرفه‌ای، باید نسبت به آثار امنیتی و اجتماعی تولیدات خود نیز پاسخگو باشد. طبیعی است که نقد سیاست‌ها، مطالبه اصلاحات یا بیان دیدگاه‌های متفاوت بخشی از فضای طبیعی رسانه‌ای است؛ اما هنگامی که تولید مستمر دوقطبی، تضعیف سرمایه اجتماعی و افزایش تنش‌های داخلی به یک رویه تبدیل شود، موضوع دیگر صرفاً یک اختلاف رسانه‌ای نیست، بلکه به مسئله‌ای مرتبط با حکمرانی

امنیت ملی تبدیل می‌شود.

امروزه در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی از مفهوم «همراستاسازی سیاست‌ها» یاد می‌شود؛ به این معنا که تمامی نهادها و ابزارهای حکمرانی باید در وضعیت بحران، در راستای یک هدف ملی مشترک عمل کنند. اگر بخشی از ساختار رسانه‌ای در جهت افزایش تاب‌آوری جامعه حرکت کند و بخش دیگری هم‌زمان شکاف‌های اجتماعی را به نمایش بگذارد، در واقع نوعی ناهماهنگی نهادی شکل گرفته که اثربخشی کل نظام تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد.

♦ تعویق تغییرات

یکی از استدلال‌هایی که گاه در برابر تغییرات ساختاری و اداری مطرح می‌شود، ضرورت به تعویق انداختن تغییر و تحول‌ها تا پایان جنگ است. این استدلال در نگاه نخست منطقی به نظر می‌رسد، اما تجربه تاریخی خلاف آن را نشان می‌دهد.

بسیاری از تغییر و تحول‌های بزرگ در حوزه حکمرانی، مدیریت بحران و بازسازی ساختارهای تصمیم‌گیری دقیقاً در میانه بحران‌ها آغاز شده‌اند. ایالات متحده در خلال جنگ جهانی دوم ساختارهای هماهنگی صنعتی و اطلاعاتی خود را متحول کرد. بریتانیا کابینه جنگ را هم‌زمان با ادامه نبرد شکل داد. حتی بسیاری از اصلاحات دفاعی کشورهای شرق آسیا نیز در متن بحران‌های امنیتی آغاز شدند، زیرا تصمیم‌گیران به این جمع‌بندی رسیدند که بحران، زمان آشکار شدن ضعف‌هاست، نه زمان نادیده گرفتن آنها.

از همین منظر، انتظار برای پایان کامل تنش‌ها به منظور آغاز تغییر و تحول‌های سیاسی و رسانه‌ای، می‌تواند هزینه‌های امنیتی کشور را افزایش دهد. هنگامی که تهدید خارجی ادامه دارد، هر روز تأخیر در اصلاح سازوکارهایی که به تشدید شکاف‌های داخلی منجر می‌شوند، عملاً ظرفیت ملی برای مدیریت بحران را کاهش می‌دهد.

این وضعیت را می‌توان با یک مثال ساده توضیح داد. فرمانده‌ای که تعمیر تجهیزات دفاعی خود را به پایان جنگ موکول کند، در طول نبرد از تمام ظرفیت موجود بهره نخواهد برد. در حوزه حکمرانی نیز رسانه، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی بخشی از تجهیزات راهبردی کشور هستند و بازسازی آنها باید هم‌زمان با مدیریت بحران انجام شود، نه پس از پایان آن.

♦ ضرورت بازآرایی

بازآرایی مورد نیاز الزاماً به معنای گسترش محدودیت یا کاهش تنوع دیدگاه‌ها نیست، بلکه هدف اصلی آن ارتقای کارآمدی حکمرانی و افزایش هم‌افزایی میان نهادهای سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی است. آنچه امروز بیش از هر چیز اهمیت دارد، شکل‌گیری یک «راهبرد ملی انسجام» است که تمامی بازیگران

مؤثر را حول چند اصل مشترک سامان دهد.

نخست، لازم است میان نقد سیاست‌ها و تضعیف انسجام ملی مرزبندی روشنی برقرار شود. نقد مسئولانه نه تنها تهدید نیست، بلکه می‌تواند به اصلاح تصمیمات کمک کند؛ اما تبدیل رسانه به میدان دائمی منازعات جناحی در وضعیت جنگی، آثاری فراتر از رقابت سیاسی خواهد داشت.

دوم، بازنگری در مأموریت، ساختار و نظام ارزیابی رسانه‌هایی که از منابع عمومی استفاده می‌کنند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. شاخص موفقیت چنین رسانه‌هایی نباید صرفاً میزان تولید محتوا یا همراهی با یک جریان سیاسی باشد، بلکه باید میزان اثرگذاری آنها در تقویت اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و افزایش تاب‌آوری ملی نیز سنجش شود. سوم، سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته در جریان جنگ باید به سرمایه‌ای پایدار برای اصلاح حکمرانی تبدیل شود. مردمی که در سخت‌ترین شرایط از کشور و نظام سیاسی حمایت کردند، انتظار دارند آثار این همدلی در حوزه‌های گوناگون، از جمله سیاست‌گذاری اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای نیز قابل مشاهده باشد. پاسخ به این انتظار، نه صرفاً یک مطالبه اجتماعی، بلکه بخشی از الزامات حفظ سرمایه ملی در دوره پساجنگ است.

♦ جمع‌بندی

امروز مهم‌ترین مسئله کشورمان صرفاً مدیریت تهدیدهای خارجی نیست، بلکه جلوگیری از فرسایش سرمایه‌ای است که در دل همین تهدیدها شکل گرفته است. تجربه جنگ اخیر نشان داد، جامعه کشورمان ظرفیت بالایی برای همبستگی، مسئولیت‌پذیری و دفاع از منافع ملی دارد. اکنون نوبت نظام حکمرانی است که این سرمایه را با تغییر و تحول هوشمندانه، افزایش کارآمدی نهادی و بازآرایی فضای سیاسی و رسانه‌ای حفظ و تقویت کند.

در حالی که احتمال تداوم فشارهای خارجی همچنان وجود دارد، هرگونه تأخیر در اصلاح سازوکارهایی که به بازتولید شکاف‌های داخلی منجر می‌شوند، می‌تواند هزینه‌های امنیت ملی را افزایش دهد. بازآرایی سیاسی و رسانه‌ای نباید پروژه‌ای برای دوران پس از بحران تلقی شود، بلکه بخشی از مدیریت خود بحران است. همان‌گونه که توان دفاعی در میانه جنگ به‌روز می‌شود، سازوکارهای حکمرانی نیز باید هم‌زمان با تحولات محیط امنیتی بازسازی شوند.

چنانچه این فرصت تاریخی به‌درستی مدیریت شود، کشورمان می‌تواند سرمایه اجتماعی حاصل از روزهای دشوار جنگ را به نقطه آغاز فصل تازه‌ای از حکمرانی کارآمد، انسجام پایدار و افزایش قدرت ملی تبدیل کند؛ اما اگر این فرصت از دست برود، بازیابی چنین سرمایه‌ای در آینده بسیار دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد بود.

یادداشت

بشکند قلم و دوربینی که غیرت جنوب را نبیند!



آرش فهیم

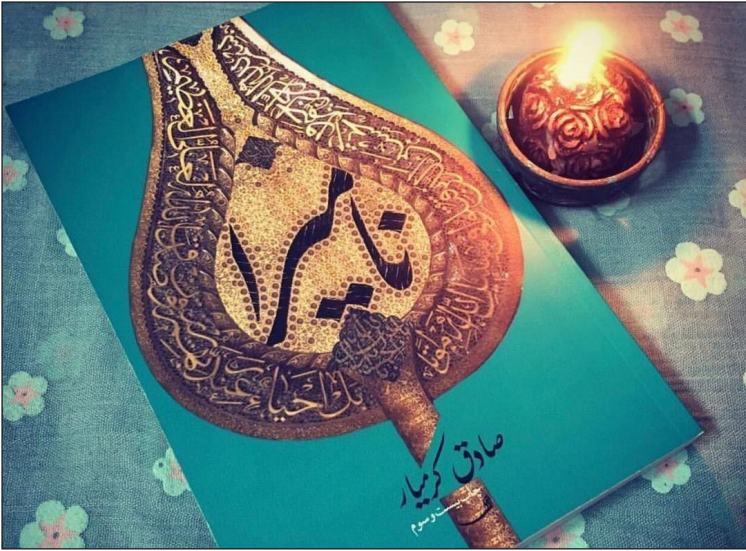
دبیر گروه فرهنگ

امروز در جغرافیای ملت‌هب جنوب، از بندرعباس تا هرمز و سیریک و کرانه‌های خوزستان، هوارنگ دیگری دارد. اینجا بوی شرچی همیشگی، با غبار کینه دشمنی‌گره خورده است که «دریا» را به مثابه گلوگاه فشار بر ملت ایران می‌بیند. آنچه امروز در جنوب ما می‌گذرد، صرفاً یک تنش ژئوپلیتیک یا یک مواجهه نظامی صرف نیست؛ اینجا تابلسوی تمام‌نمای «ظلم عیان آمریکایی» است که در برابر «ایستادگی بی‌پایان انسانی» قد علم کرده است. در این میان، پرسش بنیادین این است: هنر و سینمای ما کجای این میدان نبرد ایستاده است؟

باید بی‌پرده سخن گفت؛ سینمایی که در روزهای سخت مردمان صبور جنوب، سرش به لاک قصه‌های بی‌درد و اداهای روشنفکرانه گرم باشد، نسبتی با هویت ملی ندارد. هنری که نتواند «رنج نجیبانه» و «مقاومت حماسی» مردم خوزستان و هرمزگان را به تصویر بکشد، در واقع «اثر» است. وقتی مادری در روستایی در حاشیه سیریک، با وجود تهدیدهای دریایی، استوار ایستاده و زندگی‌اش را بر مدار عزت می‌چرخاند، این یعنی یک «سوژه سینمایی ناب» که قصه قهرمانی‌اش، هزاران بار از درام‌های آپارتمانی توخالی جشنواره‌پسند، بلندتر و شنیدنی‌تر است. «بشکند قلم و دوربینی که بزرگی و مقاومت مردم جنوب ایران و ظلم آمریکا را به این مردم ثبت نکند!» این نه یک شعار، که یک «مِثاق اخلاقی» است. دوربین ما نباید تنها نظاره‌گر گلوله‌ها و انفجارها باشد؛ دوربین ما باید «معنای ایستادگی» را در چشم‌های ناخدای لنج هرمز، در دستان پینه‌بسته صیاد خوزستانی و در استقامت بی‌صدای زنان جنوب جست‌وجو کند. هنر آینه تمام‌نمای زمانه است. اگر قرار است سینمای ما در تاریخ این سرزمین ثبت شود، باید «راوی صادق میدان» باشد. دشمن، هویت ما را هدف گرفته است؛ پس هنر باید «هویت‌بخش» باشد. هنرمند متعهد امروز، کسی نیست که در کنج انزوا، برای خودش واژه‌بافی کند؛ هنرمند امروز، کسی است که صدای فروخورده یک ملت بزرگ را در برابر استبداد آمریکایی، به فریادی هنری تبدیل کند. ما در جنوب، شاهد یکی از درخشان‌ترین جلوه‌های تقابل «حق» و «باطل» هستیم. این تقابل، نیازمند روایت‌گری دقیق، بی‌واسطه و حماسی است. اگر سینمای ما در بازنمایی این شکوه مقاومت الکن بماند، در پیشگاه تاریخ و نسل‌های آینده، پاسخی نخواهد داشت. انتظار، آثاری است که در آنها، خشم مقدس مردم از ظلم آمریکا به تصویر درآید؛ فیلم‌هایی که قهرمانش، نه یک فرد خیالی هالیوودی، که همان صیاد مظلوم و مقتدر بندرعباسی یا سربازی است که با شهادت در خواب، بیداری را تجسیم می‌کند. این ادای دین هنر به سرزمینی است که با خون پاک بهترین فرزندان‌ش و با صبوری ستودنی مردمانش، در برابر همه‌فداه‌کشی‌های جهانی ایستاده است. قلم‌ها را تیز و دوربین‌ها را روشن کنید؛ چراکه تاریخ، همین روزها را به یاد خواهد سپرد و قضاوت خواهد کرد که چه کسی ایستاد و چه کسی سکوت کرد!

آینه دیروز، ترازوی امروز

تحلیلی بر رمان «نامیرا» و رمزگشایی از سنت استمرار فتنه در تاریخ



پایان آن را می‌داند، کار آسانی نیست؛ اما کریمیار با استفاده بجای و هنرمندانه از عنصر «رمانس» و «تعلیق»، کششی فوق‌العاده در اثر ایجاد کرده است. داستان عشق میان «ربیع» (جوان خون‌خواهی که پدرش را شامیان کشته‌اند) و «سلیمه» (دختر عمرو بن حجاج) نمونه‌ای از یک درام متعهدانه است. عشق در این رمان، بازاری و سطحی نیست؛ بلکه پیوندی است که بر مبنای حب علی(ع) و اولاد او شکل می‌گیرد؛ تا جایی که وقتی ربیع دچار تردید می‌شود، سلیمه به او هشدار می‌دهد که اساس وصال آنها، گره‌خوردن به نور ولایت است.

پایان آن را می‌داند، کار آسانی نیست؛ اما کریمیار با استفاده بجای و هنرمندانه از عنصر «رمانس» و «تعلیق»، کششی فوق‌العاده در اثر ایجاد کرده است. داستان عشق میان «ربیع» (جوان خون‌خواهی که پدرش را شامیان کشته‌اند) و «سلیمه» (دختر عمرو بن حجاج) نمونه‌ای از یک درام متعهدانه است. عشق در این رمان، بازاری و سطحی نیست؛ بلکه پیوندی است که بر مبنای حب علی(ع) و اولاد او شکل می‌گیرد؛ تا جایی که وقتی ربیع دچار تردید می‌شود، سلیمه به او هشدار می‌دهد که اساس وصال آنها، گره‌خوردن به نور ولایت است.

♦ ساختار کلاسیک و پیرنگ شخصیت‌محور

کریمیار داستان خود را به سبک رمان‌های کلاسیک، با شروعی آرام، تصویرسازی‌های ملموس و معرفی تدریجی شخصیت‌ها آغاز می‌کند. نویسنده با هوشمندی تمام از افتادن در دام اختلاف‌های روایتی صرف تاریخی پرهیز کرده، اما هم‌زمان از یک عقبه تحقیقی مستحکم بهره برده است. درام با حرکت «عبدالله بن عمیر» از قبیله بنی‌کلب در روزهای پیش از عاشورا آغاز می‌شود و با زنجیره‌ای از حوادث پرکشش، پای شخصیت‌های متعددی را به میان می‌کشد. نوشتن داستانی که مخاطب از پیش فرجام و

♦ فتنه‌شناسی در کوچه پس‌کوچه‌های کوفه

«نامیرا» آینه‌ای تمام‌نما از جامعه کوفه است. جامعه‌ای که ۱۸ هزار نامه برای امام ارسال می‌کند، اما با ورود عبدالله بن زیاد و گشوده شدن سر کیسه‌های طلا از بیت‌المال، یک‌شبه ورق آن بر می‌گردد. کریمیار به زیبایی فاش می‌کند

هیجوم بر بهترین خلق خدا یکی می‌شوند. می‌توان زیباترین بخش از رمان نامیرا را این عبارت دانست: «من حسین(ع) را نه فقط برای خلافت، که برای هدایت می‌خواهم... دنیای خویش را برای حسین(ع) می‌خواهم، نه حسین را برای دنیای خویش.»

♦ از کوفه تا تهران؛ امتداد تاریخی نامیرایی

گرچه رمان نامیرا در سال ۱۳۸۰ به رشته تحریر درآمده، تطابق شگفت‌انگیز آن با فتنه‌های معاصر، نشان‌دهنده استمرار خط کربلا در طول تاریخ است. این همان دلیلی است که رهبر شهید انقلاب خواندن این کتاب را برای شناخت فتنه‌ها توصیه فرمودند. فضای غبارآلود کوفه، شباهت عجیبی به ایام فتنه در تهران داشت؛ روزهایی که عیار بصیرت خواص سنجیده شد. از فتنه ۸۸ تا همین روزها که جنوب کشور آماج حملات یزیدیان زمانه است نیز، مانند کوفه، برخی از خواص دست‌به‌سینه به تماشا نشستند و بی‌بصیرتی خود را آشکار کردند، اما توده مردم به حق و حقیقت وفادار ماندند.

♦ آینه دیروز، ترازوی امروز

«نامیرا» فقط یک نام هنری یا عنوانی برای تعلیق داستان نیست؛ بلکه نشان‌دهنده حقیقتی زنده و جاری است. رمان صادق کریمیار به ما می‌آموزد که در فضای مه‌آلود فتنه، عافیت‌طلبی و محاسبه‌گری شخصی، فرجامی جز سقوط در دامن این‌زیادها ندارد. این کتاب تحسین‌برانگیز که با قیمت مناسب و چگالی معنایی بالا در انتشارات کتاب نیستان هنر عرضه شده، یک ضرورت خواندنی برای امروز ماست تا یاد بگیریم چگونه تکلیف خود را از امام‌وقت بشنومیم و با بصیرتی عاشورایی، تا پای جان، «نامیرایی» بمانیم و اجازه ندهیم غبار سازش بر آسمان این سرزمین ولایی سایه افکند.

برداشت

تأملی بر جانمایه راهپیمایی اربعین

سبک زندگی دینی و عشق حقیقی



همین مسیر و جهت، می‌توان دست مظلومی را گرفت، چشم تری را نوازش کرد، سرپناهی برای خیابان خوابی بنا نمود و شکم گرسنه‌ای را نان داد و لب تشنه‌ای را سیراب کرد و دانست که همه اینها مسیرهای حسینی و نزدیک شدن به خداست و همگی در زمره بهترین زیارت‌های اربعینی امام‌عشق!

داستان جوان ما که درد فراق را تاب نیاورد و از دوری شمایل دل‌دار دق کرد، حکایت یک مکتب است، حکایت یک تاریخ است و حکایت یک حقیقت سرخ. او که چنان پرورانه‌ای گرد شمع وجود معشوقش سوخت و رفت تا فرهنگ عشق حسینی باقی بماند بر دل‌مان ماند تا همیشه. آری؛ او شوق دیدار

داریم. حالا و پس از گذر این روزها و شب‌های تار و دیدن و بوییدن جای خالی او، به چه می‌اندیشیم؟ به اینکه ما جاماندگان از سفر عشق، دست کوتاهی داریم و خرمای شیرین بهشت، بر نخیل بلند راه‌های نرفته و مسیرهای مسدود از زمین سرد، راه بر دل ما هم بسته؟! اما مگر نه اینکه فرمود:

اگر آه تو از جنس نیاز است در باغ شهادت باز باز است و مگر نه اینکه هر روز عاشورا و همه جا کربلاست. آیا به راستی تنها حضور در یک مسیر خاص می‌تواند شور و شیدایی حسینی‌مان را تسلا دهد و به بار نشاند؟ در

مهدی امیدی

خبرنگار

تاریخ تکرار مدام عاشورا است و جغرافیا امتداد پهنه کربلا؛ ایسن همان جان‌مایه و مغز هویت‌بخشی است که صادق کریمیار در رمان درخشان خود، «نامیرا» به زیباترین شکل ممکن بازآفرینی کرده است. کتابی که مورد تحسین رهبر شهید انقلاب قرار گرفت و بارها تجدید چاپ شد.

«نامیرا» فراتر از یک روایت داستانی ساده، به مثابه یک دوره فتنه‌شناسی مکتوب و عیار سنجش خواص در بزنگاه‌های تاریخ تجلی یافته است. «نامیرا» روایت چگونگی تغییر و تحول اوضاع کوفه در فاصله دعوت از امام حسین(ع) تا رسیدن کاروان آن حضرت به کربلاست؛ فضایی آکنده از غبار، تردید، و آشفتگی که در آن عناصری چون رعب و وحشت، مکر ناشی از زرو و زور، و ناتوانی در تشخیص حق از باطل، چهره واقعی آدم‌ها را برملا می‌کند.

♦ ساختار کلاسیک و پیرنگ

شخصیت‌محور

کریمیار داستان خود را به سبک رمان‌های کلاسیک، با شروعی آرام، تصویرسازی‌های ملموس و معرفی تدریجی شخصیت‌ها آغاز می‌کند. نویسنده با هوشمندی تمام از افتادن در دام اختلاف‌های روایتی صرف تاریخی پرهیز کرده، اما هم‌زمان از یک عقبه تحقیقی مستحکم بهره برده است. درام با حرکت «عبدالله بن عمیر» از قبیله بنی‌کلب در روزهای پیش از عاشورا آغاز می‌شود و با زنجیره‌ای از حوادث پرکشش، پای شخصیت‌های متعددی را به میان می‌کشد. نوشتن داستانی که مخاطب از پیش فرجام و

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پریشان،
علی قاسمی، حسین عبداللہی فر،رضاصارمی راد
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیرفنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ:سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳ ۳۰۰۰۹۹۰۰
شماره ۱۲۴۶ | دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵

رابطه دوسویه مسئولان و مردم

سید مرتضی ر ضایی

کارشناس مذهبی

تعامل مسئولان و مردم در جامعه اسلامی متفاوت از هر جامعه دیگری است؛ زیرا هر چیزی بر پایه علم، دین و اخلاق باید استوار، حرکت و ادامه پیدا کند. با توجه به آنکه الگوی ما قرآن و روایات است، نمونه‌ای از این تعامل را در نهج البلاغه بررسی می‌کنیم. برای نمونه، تعامل امام علی(ع) با مردم، ترسیم‌کننده شبکه‌ای عمیق از مسئولیت‌های متقابل، اخلاق‌والا و کرامت انسانی است که در خداباوری ریشه دارد. تعاملی که از یکسو، مسئولان را موظف به خدمتی بی‌چون و چرا کرده و از سوی دیگر، مردم را به مشارکتی آگاهانه و نصیحت‌گری دعوت می‌کند. از نگاه امام علی(ع) بنیاد هر تعامل سالم، بر پایه «عدالت» استوار است؛ عدالتی که نه تنها در قوانین، که در روابط انسانی و ارتباطات فردی جاری می‌شود. این اصل، در نامه‌های ایشان به کارگزاران، به عنوان مقدمه‌ای برای «عدالت اجتماعی» ترسیم شده است.

در نمونه‌ای دیگر و از منظر ارتباط کلامی، که بخش بزرگی از تعاملات را تشکیل می‌دهد، امام از استراتژی‌های ادب و احترام در کنار صداقت بهره می‌جستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد کلام ایشان، هر چند مستقیم و صریح است، با به‌کارگیری راهکارهای ادب، موجب تهدید و جبهه مخاطب نمی‌شود و فضایی از صمیمیت و هم‌بستگی را ایجاد می‌کند. ضمن آنکه صادقانه برخورد کردن و گفت‌وگو کردن با مردم نیز نوعی احترام به خود مسئولان و مردم دیده می‌شود.

این شیوه، نشان از توجه عمیق به بافت و حال مخاطب دارد تا کلام، بیشترین تأثیر را بر جای گذارد و بیشترین انگیزه را به‌دنبال بیاورد. این نگاه، حتی در برخورد با مخالفان فکری و سیاسی نیز مشهود است.

امام علی(ع) همواره به‌دنبال تعامل سازنده با آنان بر اساس اصول مشترک بود.

برای حرکت به سمت این الگوی تعامل، نخستین گام، «خودسازی فردی» است؛ چرا که عدالت فردی، زیربنای عدالت اجتماعی است. به این معنا که هر کس باید با مراقبت از نفس، تقوا و پابندی به واجبات، ارتباط خود با خدا را اصلاح کند؛ چراکه خدامحوری، ضمانت اجرای عملی برای دیگر رفتارهای نیک است.

صبحانه

طالب موفقیت

باید بفهمید چه زمانی واقعاً طالب موفقیت هستید؛ چون آن موقع دیگر هیچ وقت تسلیم نمی‌شوید و مهم نیست دیگر شرایط چقدر رو به سختی برود.

منبر

قدرت ایمان هرگز شکست نمی‌خورد

گفتاری از حجت الاسلام سیدمیرهاشم حسینی



جهان دیگر خودشون، تو اونجا نشستن، مردم خاورمیانه رو مظلومانه هدف قرار می‌دن. اینها تخریب نکنن به طور کامل، رها نمی‌کنن. البته «یُرِیدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ» اینا با جنگ، با قدرت سخت میان. با جنگ سخت میان، ولی این وسط اون چیزی که ماندگار در دل بشر می‌شه، همین اقتدار و قدرت نرمه، توأم با محبت، با محبت و اطاعت و اینهاست. یکی از اصلی‌ترین راه‌هایی که آدم می‌تونه تو جریان جبهه حق به اوج برسه و می‌تونه اثرگذار بشه و ماندگار بشه، همین بحث حفظ کردن خانواده است.

هرگز خاموش نمی‌شه. در واقع آن چیزی که در آیات و روایات ما داره اشاره می‌کنه، این بحث اقتداره، قدرت نرمه. اصلی‌ترین چیزی که باید دقت بشه و دشمنان و مستکبرین کاری که می‌خواهند انجام بدهند، قدرته، ظلم، زور، اجبار و تحمیل. کاری که الان می‌بینیم مستکبرین عالم می‌خواهند انجام بدهند، اینکه با بمب و حمله و هجمه و اینها، اینا نمی‌تونن دل‌ها رو تسخیر بکنن. ممکنه به جایی خرابی به بار بیارن که به بار می‌آرن، جنایت کنن، کودک‌کشی کنن. اینالذت‌شون این هستش، که بیرون، تو اون جهان غرب خودشون،

آیه

ملت مجاهد

می‌دارند، هر چند خودشان نیازمند باشند. این روحیه ایثار، در عرصه‌های زندگی جاری می‌شود. کسانی که برای آسایش هم‌وطنان خود راه‌سختی می‌اندازند، کسانی که برای آیندگان و دستاوردهای دور و نزدیک، هر سختی را به جان می‌خرند، همگی در دایره وسیع قهرمانان این مکتب جای می‌گیرند. در نهایت، قهرمان در نگاه قرآن و روایات، انسانی است که با جهاد اکبر، نفس خویش را مهار کرده و با جهاد اصغر، در راه خدا از جان و مال خویش گذشته و با استقامت و ایثار، الگویی برای جامعه و نجات‌بخشی برای آیندگان می‌شود. خداوند در سوره فصلت به این دسته از بندگان بشارت می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُكْرِتُوا إِِلَ الْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ یک ملت، وقتی قهرمان می‌شود که همه اعضایش، چون خانواده‌ای بزرگ، بار یکدیگر را به دوش می‌کشند؛ بدون اینکه منتظر باشند کسی از آنها قدردانی کند. قهرمانی جمعی، در همین نادانستگی همگانی شکل می‌گیرد: معلمی که با حقوق ناچیز، امید را در دل دانش‌آموزان زنده نگه می‌دارد، پرستاری که شیف‌های مضاعف را بدون گلايه می‌پذیرد یا کشاورزی که در خشکسالی، آخرین آب ذخیره را با روستای همسایه تقسیم می‌کند. اینها خود را قهرمان نمی‌نامند، اما دقیقاً همین ندانستن، گوهر ناب قهرمانی انسانی را می‌سازد: قهرمانی که نه از روی منیت، که از روی مهر و مسئولیت بی‌چشم‌داشت جاری می‌شود. شاید اگر روزی همه ما، در نگاه به هم نوع، نگاه پدرا نه داشته باشیم، دیگر نیازی به قهرمان نامدار نباشد، زیرا تمام ملت، خود به قامت قهرمان گمنام و متواضع، در برابر سختی‌ها خواهد ایستاد و این، همان پیروزی حقیقی است.

خدا امید دارند و خدا آمرزنده و مهربان است. همچنین در سوره توبه، این مفهوم در والاترین سطح خود ترسیم شده است: «خدا از مؤمنان جان‌ها و مال‌های‌شان را خریداری کرده که در برابر آن، بهشت برای آنان باشد، در راه خدا جنگ می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده‌ای است که در تورات و انجیل و قرآن بر عهده خداوند است و چه کسی از خدا به عهد خود وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که کرده‌اید شاد باشید و این همان کامیابی بزرگ است.» (توبه/۱۱۱) این آیه، قهرمانی را در بالاترین مرتبه ممکن- بذل جان و مال در راه آرمان الهی- به تصویر می‌کشد. در سوره هود نیز بر این حقیقت تأکید شده که دستور به استقامت، راز آن است که پیامبر را پیر کرده است. داستان طالوت و جالوت، نماد بارز مقاومت است؛ جایی که سپاه حق با وجود نفرت اندک، با ایمان و استقامت به پیروزی رسیدند: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا آفِرْغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَابْتِثْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛ هنگامی که سپاه طالوت با لشکر جالوت روبه‌رو شدند، گفتند: پروردگارا مقاومت در برابر دشمن را بر ما سرازیر کن و گام‌های‌مان را استوار دار و ما را بر این دشمنان کافر پیروز بگردان.

مفهوم قهرمانی در ادبیات دینی، به میدان نبرد محدود نیست. پدر و مادری که زندگی خود را وقف خانواده می‌کنند، در حقیقت در مسیر ایثار و از خودگذشتگی گام برمی‌دارند. قرآنی که از مجاهدان مدح می‌کند، ایثار را در ساده‌ترین و عمیق‌ترین اشکال آن نیز ستوده است. در سوره حشر، خداوند از انصار مدینه چنین یاد می‌کند که مهاجران را بر خود مقدم داشتند: «وَيُؤَيِّرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»؛ آنها دیگران را بر خود مقدم

صادقانه

اکسیر سعادت‌مندی

پیامبر اسلام(ص): خوش‌به‌سعدت کسی که خوش اخلاق، خوش رفتار، خوش باطن و خوش ظاهر باشد و زیادی ثروتش را در راه خدا ببخشد، از زیاده‌گویی خودداری کرده و با مردم، منصفانه رفتار کند.

غیر رسمی

امام جماعت مردم‌دار

برای نماز جماعت همیشه سر وقت در مسجد حاضر بودم. شاید در طول مدت امامت جماعت من، مواردی را که دیر به نماز رسیده‌ام بتوانم بشمارم؛ دو یا سه بار اتفاق افتاده است، و الا همیشه قبل از وقت، قبل از اذان، قبل از غروب داخل مسجد بودم. روی سجاده می‌نشستم رو به مردم. این هم از کارهایی بود که من در مشهد باب کردم. آقایان بعد اذان می‌آمدند، مردم به آنها سلام می‌کردند، روی سجاده‌شان می‌نشستند، نمازشان را می‌خواندند و می‌رفتند! یک چند نفر هم می‌آمدند مسئله می‌پرسیدند. بنده عکس این را باب کردم. وقتی وارد مسجد می‌شدم، گاهی هیچ‌کس در مسجد نبود. روی سجاده می‌نشستم رو به طرف مسجد پشت به محراب، بعد افراد می‌آمدند، می‌نشستند و حرف می‌زدیم، مسئله می‌پرسیدند، گاه حتی احوال‌پرسی می‌کردیم، گاهی یکی لطیفه می‌گفت، گاهی کسی شکایتی می‌کرد، اینها. بعد تازه وقت اذان می‌شد و اذان را می‌گفتند. بعد از نماز هم که غالباً صحبت می‌کردند.

خاطره‌ای از زبان رهبر شهید

حسن ختام

رویای با شکوه

آقاجان! این روزها هر بار که نام رهبر شهید بر زبانم جاری می‌شود، بی‌اختیار دلم به‌سوی شما پر می‌کشد. نمی‌دانم چرا هر روایت از شهادت او، مرا به یاد شما می‌اندازد؛ گویی هر شهیدی نشانی از یاران شماست و هر خون پاکی، وعده‌ای برای آن صبح بزرگ.

مولا جان! مگر می‌شود از کربلا گفت و از یاران حسین(ع) نگفت؟ مگر می‌شود از خورشید عاشورا سخن گفت و ستاره‌هایی را که گرداگرد او جان دادند، از یاد برد؟ امروز هم هرگاه از رهبر شهید می‌گوییم، انگار از یکی از عاشقان شما سخن گفته‌ایم؛ از کسی که همه آرزویش این بود که پرچم حق بر زمین نماند و راه انتظار به‌ظهور ختم شود.

مولای من! می‌گویند شهیدان زنده‌اند؛ و چه امید شیرینی که به افن خدا، روزی در رکاب شما بازگردند. چه رؤیای دلنشینی که رهبر شهید بار دیگر در کنار شما بایستد، پرچم را در دست بگیرد و دل‌های داغدار، دوباره با دیدارش آرام شوند. چه لحظه باشکوهی خواهد بود آن روز که چشم‌های منتظر، هم به جمال شما روشن شود و هم به دیدار یارانی که تمام عمر، آرزوی سربازی‌تان را داشتند.

